



- در محضر بزرگان

پیدا کردن حال خوب برای عبادت

مرحوم آیت ا... حاج سیدعلی قاضی تبریزی فرموده اند: «در یک مسجد همیشه نماز نخوانید. به مساجد دیگر نیز بروید و هر جا دیدید حال پیدا کردید، آن جا نماز بخوانید و هر جا دیدید حال پیدا نکردید، مکان خود را تغییر دهید و از این مسجد به مسجد دیگر انتقال یابید! خلاصه آن که توقف در یک مکان، بی مورد است و باید دایم دنبال حال بود و از هر جا به جای دیگر منتقل شد و هر جا حال بهتر بود، آن جا را انتخاب کرد. اگر در مسجد کوفه نشد، به مسجد سهله بروید و اگر در سهله نشد، به مسجد کوفه بروید و هکذا.»

بر گرفته از «جلوه های ملکوتی»

- فتو شعر



- احکام

دریافت دیرکرد در معامله

محمد علی ندائی – قیمت فروش نقد و نسیه کالاها متفاوت است و این امری معمول در بازار است. حال اگر خریدار و فروشنده بعد از معامله نسیه ای، توافق کنند که در صورت پرداخت فوری، خریدار قیمت کمتری بپردازد، چنین معامله ای به فتوای فقها اشکالی ندارد. اما اگر عکس این اتفاق بیفتد به این معنا که بعد از انجام معامله، فروشنده به خریدار بگوید می توانی قیمت کالا را دیر تر بپردازی به شرط این که مقدار بیشتری بدهی، در این جا حضرت آیت ا... خامنه ای فتوا می دهند؛ چنین کاری ربا و حرام است (زیرا با انجام معامله، خریدار به فروشنده بدهکار شده است. حال اگر فروشنده (طلبکار) بخواهد بابت تاخیر بدهی، مبلغ بیشتری از بدهکار بگیرد در حقیقت زیادی گرفته و ریاست. هر چند دوطرف می توانند معامله اول را به هم بزنند و دوباره به نحو دلخواه معامله کنند):

سوال: (الف) اگر پس از معامله به مشتری بگویم، می‌توانی ثمن را دیرتر تحویل دهی به شرط آن که مقدار بیشتری بپردازی، اشکال دارد؟

(ب) اگر پس از معامله به مشتری بگویم می‌توانید ثمن را زودتر از زمان تعیین شده بدهید و مقدار کمتری بپردازید، اشکال دارد؟

جواب: (الف) ربا و حرام است. (ب) اشکال ندارد.

- داستانک

ارزان نفروش

فردی سراغ گردوفروشی رفت و گفت: «می‌شود همه گردوهایت را رایگان به من بدهی؟» گردوفروش با تعجب به او نگاه کرد و جوابی نداد. دوباره پرسید: «می‌شود یک کیلو گردو مجانی به من بدهی؟» و باز با سکوت مواجه شد. «پس خواهش می‌کنم دست کم یک عدد گردوی مجانی به من بدهید.» او آن قدر اصرار کرد تا بالاخره گردو را گرفت و گفت: «یک عدد گردو که ارزش ندارد، یک عدد دیگر هم بدهید» و با اصرار یک عدد گردوی دیگر گرفت و درخواست کرد که گردوی سوم را نیز مجانی بگیرد.

گردوفروش که عصبانی شده بود، گفت: «زننگی! این طور می‌خواهی یکی، یکی همه گردوهایم را تصاحب کنی؟» مشتری سمج گفت: «راستش می‌خواستم درسی به تو بدهم. عمر و زندگی ما نیز چنین است. اگر به تو بگویم همه عمرت را به من بفروش، به هیچ قیمتی این کار را نمی‌کنی، ولی روزهای زندگی‌ات را بی توجه یکی یکی از دست می‌دهی و تا به خودت بیایی همه عمرت از کف رفته است.»

سایت داستان‌ما

- فتو نکته



- اندک صبر

برای من کافی است

خیالی نیست

اگر مرا نشانند...

همین که

چشم‌های تو مرا بیناسند

برای من کافی است...

کوثر صاری مقدم

- دی روزنامه

مصاحبه یا مصاحه؟

حتما مصاحبه آقای رشیدپور را بر رئیس جمهور را در تلویزیون دیدید یا خبرش را شنیدید. کاری به این نداریم که مصاحبه چطور بود و اصلا مصاحبه بود یا گپ و گفت و حال و احوال؟ یا باید چه چیزهایی پرسیده و پاسخ داده می شد که نشد، فقط به این فکر می کنیم که اگر به جای آقای رشیدپور، مصاحبه کننده های دیگر بودند، روند برنامه به چه سمتی می رفت.
مهران مدیری– بعد از این که از تعداد دفعاتی که رئیس جمهور تا حالا عاشق شده سوال می کرد و می پرسید که آیا واقعا احساس خوشبختی می کنند یا نه، چهار تا متلک به ایشان می انداخت و مردم هم که منتظر نشسته بودند، کف و سوت می زدند. ولی برای این که از دل رئیس جمهور دربیاورد، در آخر یک تبلت به ایشان می داد و از حامی مالی برنامه بیشتر از خود رئیس جمهور تشکر می کرد!

فرزاد حسنی– اول این که آقای رئیس جمهور باید خیلی جرئت به خرج می داد تا با این بشر رو به رو می شد. بعد از آن هم ایشان باید پیه انواع و اقسام پرسش های مرتبط و بی ربط و بی ادبانه و تمسخر و متلک را به جان می خریدو در آخر هم با یک لیخند مودبانه مصاحبه تمام می شد!
کامران نجف زاده یا حمید معصومی **نژاد**– طبیعی است در صورتی که این دو عزیز یا امثال این ها قرار بود با آقای رئیس جمهور مصاحبه کنند، آن قدر زمین و زمان به هم دوخته می شد و از بدبختی های ما و اروپاییان و آمریکاییان چیزی می شنیدیم که گریه به رئیس جمهور امان نمی داد و مصاحبه را نصفه راه می کردند!

احسان علیخانی– در حالت قبلی رئیس جمهور از شدت ناراحتی از اوضاع خراب جهان به گریه می افتاد، در این حالت که علیخانی قرار بود با ایشان مصاحبه کند، خود بینندگان از شدت گریه بیهوش می شدند و برنامه نیمه تمام می ماند!

عادل فردوسی پور– شاید اگر فردوسی پور با رئیس جمهور مصاحبه می کرد، روزای پنهان خیلی چیزها آشکار می شد و حتی از دست های پشت پرده گرانی شیر و تخم مرغ و بنزین ودلا هم رونمایی می شد. چیزهایی که روح خود رئیس جمهور هم خبر نداشت!

گزارشگری که از مزایای فیلترینگ تلگرام پرسیده بود– اسم این دوست عزیز را نمی دانیم ولی بدیهی است اگر او با رئیس جمهور مصاحبه می کرد، نهاد ریاست جمهوری تادوره بعد ریاست جمهوری باید تکذیبیه می داد که این طور نبود و آن طور نبود و قضیه اصلا یک چیز دیگر بود!

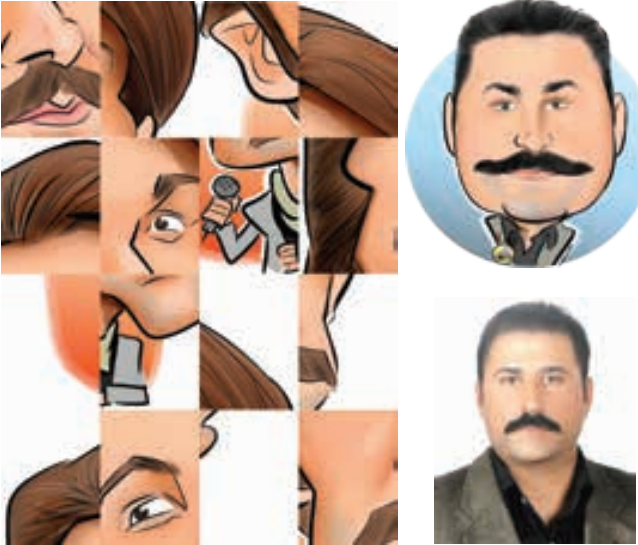


- مسابقه این کیه؟

شوخیه‌مگه؟

سلام. برای مسابقه این هفته به سراغ یک چهره به روز رفتیم که این روزها خیلی طرفدار پیدا کرده. قبول داریم آسونه و برای همین منتظریم که صندوق پیامک ما رو منفجر کنین با پاسخ های در دست تون. عکس و کاریکاتوری هم که این جا می‌بینید، برنده مسابقه قبلی، آقای «مسعود فتح آبادی» از مشهد هستن که یک شنبه اسمشون اشتباهی چاپ شده بود. چون از خواننده های پیگیر و باارما ما هستن و نکات خوبی بهمون گفتن، حتما این اشتباه ما رو هم خواهند بخشید. دوباره بهشون تبریک می گیم و فایل با کیفیت کاریکاتورشون هم براشون فرستاده خواهد شد.

یادآوری روش مسابقه: شما باید تشخیص بدین کاریکاتور به‌هم‌ریخته چاپ شده کیه و اسمش رو تا ساعت ۲۳ فردا پنج شنبه برای ما به شماره ۲۰۰۹۹۹۹ پیامک کنید. جواب رو شنبه همین‌جا می‌بینید. بین کسانی که جواب درست رو بفرستن، قرعه‌کشی می‌کنیم تا یک نفر برنده معلوم بشه و کاریکاتور برنده رو چهارشنبه هفته دیگه با مسابقه بعدی، همین جا خواهید دید. خوش باشین همیشه.



نشنال جئوگرافیک- پرواز دسته جمعی فلامینگوها برای فرار از سرما، ترکیه



- دور دنیا

طریقه عجیب آرام کردن کودکان بیش فعال در مدرسه



آدیتی **سنترال**– وزارت آموزش و پرورش آلمان از روش عجیبی برای آرام کردن کودکان دچار بیش فعالی استفاده می کند. این کودکان باید در مدرسه جلیقه های حاوی شن و ماسه بپوشند که وزن آن ها بین ۱/۲ تا ۶ کیلوگرم است! وزن زیاد این جلیقه ها باعث می شود که بچه ها سر جای خودشان بنشینند و زیاد سر و صدا نکنند. هرچند والدین و برخی روان شناسان با این روش مخالفند اما معلمان این راهکار را بسیار بهتر از مصرف قرص برای این کودکان می دانند.

دستگیری به جرم خوش تیپی



شین هوا– از آن جایی که گزارش دریده شدن لباس و جواهرات در هلند زیاد است، پلیس طرح عجیبی را برای مقابله با سرقت در محله های فقیر نشین این کشور اجرا کرده است. طبق این طرح، هر شخصی که لباس گران قیمت یا جواهرات و زیورآلات سنگین داشته باشد، بازخواست می شود و اگر نتواند پلیس را توجیه کند که چطور با وضع مالی ضعیف توانسته این لباس ها را بخرد، به جرم دزدی دستگیر می شود و لباس و زیور آلاتش مصادره خواهد شد!

هنرنمایی روی کیسه چای مصرف شده



آدیتی **سنترال**– بسیاری از ما چای کیسه ای را بعد از مصرف دور می اندازیم اما برای ذهن خلاق یک هنرمند، همین کیسه های مصرف شده هم می تواند شروع خلق یک اثر هنری باشد. «رابی سیلی» ۳۶۱ تابلوی نقاشی را با استفاده

از تقاله چای و قهوه و تی پگ ها طراحی کرده است. تصاویر مینیاتوری او روی کیسه های مصرف شده چای به قدری زیباست که به قیمت بالایی به فروش می رسد.

سوتی سرا

خیابان گردی در کله سحر!

دوره راهنمایی بود، به روز صبح یهو از خواب پریدم، دیدم ساعت ۷ شده (ساعت ۵ بود و من اشتباهی ۷ دیده بودم) فکر کردم دیرم شده. یا شدم تندتند حاضر شدم و زدم از خونه بیرون. هی می رفتم، می گفتم خدایا چرا این قدر هوا تاریکه؟ چرا کسی نیست تو خیابون؟ تا این که متوجه شدم ساعت رو اشتباه دیدم و زود از خونه اومدم بیرون.

خلاصه بر گشتم خونه. کلید نداشتم و مجبور بودم زنگ خونه رو بزنم. اصل بدبختی ماجرا این جا بود که باید برای بابام که در رو باز کرده بود و با چشم های گرد نگاهم می کرد، توضیح می دادم ساعت ۵ صبح کجا بودم؟!

سوتی های با‌مزه تون رو در تلگرام به شماره ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ بفرستید.



- سفرنامه

حمایت از فلسطین در غرب

محمد دلاوری در سفرش به اروپا درباره حمایت مردم غرب از مردم مظلوم فلسطین نوشته است: «طی مدت اقامتم در بلژیک این دهمین تجمع در حمایت از مردم فلسطین و علیه اسرائیل بود. بر خلاف تصور ما تعداد حرکت‌های مردمی دفاع از فلسطین در اروپا اگر از ایران بیشتر نباشد کمتر نیست. فقط تفاوت این است که چون دولت‌ها تمایلی به این تجمعات ندارند، صورت مردمی آن حفظ شده که به نظر می‌رسد این رویه نقطه ضعف که هیچ، بلکه نقطه قوت این حرکت‌هاست.»

بر گرفته از ۹۷۶۰ روز در پس کوچه‌های اروپا، نوشته محمد دلاوری



شماره ۱۹۷۴۱



کتی ایمیج- بارش برف سنگین در محل برگزاری اجلاس اقتصادی داووس، سوییس

وزیر تنهایی یا تنهایی وزیر

به تازگی شنیدیم که در انگلستان وزیر تنهایی را به مجموعه وزرایشان اضافه کرده‌اند. مطمئنا دهه شصتی‌های آن ها چون به میلادی حساب می‌شوند و سن و سالی از شان گذشته مشکل‌ساز نمی‌شوند ولی اگر به صورت رندوم هریک از ما دهه شصتی‌ها را به انگلستان می‌بردند، به راحتی جایگزین وزیر تنهایی آن ها می‌شدیم. یعنی با توجه به اندازه تنهایی لژیونر دهه شصتی ما، وزیر تنهایی آن ها در نهایت می‌توانست در قسمت دبیرخانه با رطوبت زبانش نامه‌های وزارتخانه را مهر و موم و ارسال کند. البته کار به همین جانیز ختم نمی‌شود. دهه شصتی ما که حالا وزیر تنهایی شده، ابتدا با پیژامه در وزارتخانه می‌چرخد و با دهان باز متر از ساختمان آن جا و تعداد ظرف و بشقاب ها را می‌شمرد و ضمن مقایسه با خانه خودشان، قیمت تخمینی کل دارایی وزارتخانه را ذهنی حساب می‌کند. کار این جا هم تمام نمی‌شد. وزیر تنهایی دهه شصتی ما که تا قبل از این تمامی درخواست هایش مبنی بر ایجاد ارتباط عاطفی و امر خیر با «بین تو پسر خوبی هستی ولی...» رو به رو می‌شد، حالا با صف مشتاقانش روبه‌رو شده است. مشتاقانی که او را فقط برای خودش می‌خواهند یا در نهایت خودش و یک وزارتخانه ناقابل که بساط عشقشان را پهن کنند.

وزیر تنهایی دهه شصتی ما که از دو تا پیشدستی بلور دهانش وا می‌مانده، مسلما بر خوردی گرم و درخ رو توج به آن صف مشتاقان خواهد داشت به گونه‌ای که از وزیر تنهایی به وزیر ارتباطات آن جا تغییر کاربری می‌دهد. کار باز هم به این جا ختم نمی‌شد؛ بعد از گذشت دو، سه ماه، با توجه به روند طبیعی دهه شصتی‌ها آن قدر وزیر ارتباطات زیاد می‌شد که چند میلیون وزیر ارتباطات دهه شصتی بیکار خانه‌نشین می‌شدند. بعد شما تصور کنید چه هرج و مرجی به وجود می‌آید؛ در خیابان‌ها اگر صدا می‌زدی وزیر همه برمی‌گشتند؛ داخل صف نانوائی، وزیری در صف دیگر وزرا می‌زد؛ در خیابان دو وزیر بر سر نگاه کردن از ماشین پیاده و گلاویز می‌شدند، خلاصه که وزیر به وزیر نبود.

اصلا قربان مملکت خودمان بروم که این سوسول بازی‌ها را ندارد و نیازی به اضافه کردن وزیر جدید نیست. تازه معمولا همین‌هایی که هستند هم زیادی‌اند. محمدامین فرشادمهر

- اعتراف من کنم



- ماوشما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

«واقعا چرا دیگر امثال دکتر شخی خیلی کم هستن؟

* ای کسی که فروشنده چندتا دلار قدیمی فقط به آق کمال صاف و صادق ما هستی؛ به شما بگویم: دیوار کوتاه تر از ایشان پیدا نکردی؟! در کوی ما شکسته‌دلی می‌خرند و بس، بازار خودفروشی از آن سوی دیگر است!

* برای جایزه مسابقه ۱چی شده؟ یک ماهه که دارید رایزنی و مذاکره و تلاش می‌کنید! صدرحمت به مذاکرات معروف دیگر! * وای بر من؛ چرا دختر خواستگاری کنه؟ آقایون خودشون پیش قدم میشن، دلشون رومیزنه؛ تو رودر بایستی ادامه میدن. خانم ها هم در این زمینه احساسات شون بر منطبق شون می‌چربه، می‌زنن خودشون و یکی دیگه رو بدبخت می‌کنن.

امیری

* تشکر می‌کنم برای نوشتن زندگی نامه دکتر قریب. کاش از سر گذشت بچه‌هاشون می‌نوشتین. رضا نادری، تربت حیدریه * لطفاً از بدخطی دکترها مطلب بنویسید که چرا این جور باب شده؟

* برای مسابقه «این کیه» جایزه ای را هم به عنوان رسم یادبود به شرکت کنندگان تقدیم کنید. باتشکر فهیمه کشته‌گر، درگز

ما و شما: کاریکاتور چهره ای که تقدیم دوستان برنده میشه در اصل جایزه شون هست.

«دخترم فائزه جان، تولدت مبارک. امیدوارم همیشه خوش و خرم باشی.

پدر و مادرت